

داستان بود و نبود نخستین مهدیه کشور

# مهدیه‌ای که تخریب شد اما باید حفظ شود

| رسالیمان نوری | روزنامه‌نگار و عضو انجمن چهارباغ



عکس‌ها: سایت دانش‌نامه شهید الرضا

جزیی تعمیر بدون مجوز خانه‌های مسکونی محدوده‌های نزدیک به حرم مطهر سریع وارد عمل شده و اقدام به بلیم پلاک متخلف می‌کردند، درست همین امر است که ادعاهای مطرح‌شده از سوی ایشان درباره بی‌اطلاعی و عدم دادن مجوز تخریب بنا به جامعه المصطفی را زیر سوال می‌برد. سرانجام مدیران جامعه المصطفی نیز با وجود این که برخی از آنان خود از دانش‌آموختگان مهدیه یا سایر مدارس مرحوم عابدزاده بوده و از اهمیت این بنا حداقل در تاریخ انقلاب اسلامی مشهد مطلع بودند، مصالح خود را بر مصالح عموم مردم مشهد و ایران ترجیح داده و تیشه به ریشه ساختمانی هویت‌ساز در مشهد زدند.

## واما بعد

البته به‌طور قطع این پایان ماجرا نیست، زیرا با توجه به حساسیت‌های ملی ایجادشده در این زمینه، خاصه اعزام هیأت تحقیق‌یاب سازمان میراث فرهنگی به مشهد و همچنین عدم جابه‌جایی مقبره مرحوم عابدزاده تا این لحظه امکان بازسازی کامل بنا به صورت عین به عین وجود دارد. امری که اکنون وقوع آن در کنار قطعی‌شدن ثبت‌ملی بنا، ورد زبان مسئولان میراث خراسان شده است تا شاید بدین گونه آب رفته را به جوی بازگردانند. اقدامی که در صورت وقوع به‌طور حتم می‌تواند مهدیه را بار دیگر زنده کرده و نام دست‌اندرکاران این حیا را برای همیشه جاودان کند.

فعالان فرهنگی مشهد خیال می‌کردند بنا ثبت شده و آنانی هم که دیرباز بودند، تصور می‌کردند با حضور تمام‌قد معاون فرهنگی شهردار در جمع مخالفان تخریب، اگر کوچکترین اقدامی از سوی مجموعه تخریب‌کننده رخ دهد، شهرداری وارد عمل شده و جلوی تخریب را خواهد گرفت. کار دیگر، سرانجام مدیران میراث فرهنگی و جامعه المصطفی براساس اخباری که گاه و بیگاه از سوی معاون میراث فرهنگی خراسان‌رضوی اعلام می‌شد، درحال رایزنی برای بازسازی بنای نیمه‌تخریب‌شده بودند.

## تیر آخر

شرایط بدین گونه پیش می‌رفت تا ناگهان در روزی که کشور عزادار درگذشت آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی بود، عکس‌هایی دربرخی رسانه‌های مجازی منتشر شد که نشان می‌داد مهدیه به صورت کامل تخریب شده است. این امر باعث شد تا فعالان مدنی و رسانه‌های استان و سپس کشور برای درک واقعیت موضوع تلاشی ویژه را آغاز کنند. تلاشی که به این نتیجه منجر شد که مدیران میراث استان برخلاف آنچه بارها درمحافل مختلف اعلام کرده بودند، نه‌تنها مهدیه را ثبت‌ملی نکرده‌اند، بلکه هیچ تلاشی هم در این راه انجام ندادند. همچنین مشخص شد که مدیران شهرداری مشهد باوجود اطلاع از جایگاه مهدیه در نزد افکار عمومی به دلایل نامشخص درحالی هیچ واکنشی به تخریب باقیمانده بنای مهدیه نشان ندادند که در موارد بسیار

شد. اخباری که منجر به تشکیل کمیته مردمی با عنوان «نه به تخریب نخستین مهدیه کشور» و صدور نامه‌ای با امضای ۳۶۰ فعال فرهنگی مشهد در اعتراض به اقدامات انجام‌شده برای تخریب این بنای ارزشمند شد. نامه‌ای که در آن تخریب مهدیه ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر هویت دینی شهر مشهد خوانده و تأکید شد: «با وجود شعارهای فراوانی که مسئولان مختلف درباره لزوم حفظ و احیای هویت دینی و فرهنگی شهر مشهد در آستانه تبدیل آن به پایتخت فرهنگی جهان اسلام بیان می‌کنند، متأسفانه هیچ بنای هویت‌بخشی از گزند بی‌برنامه‌گی، بی‌توجهی و کج‌سلیقگی برخی مسئولان در امان نیست.»

انتشار این نامه و همچنین همراهی برخی از مدیران فرهنگی و شهری مشهد و تهران از جمله معاون فرهنگی شهردار مشهد باعث شد تا کفه ترازو به نفع مردم سنگینی کرده و نه‌تنها تخریب بنا متوقف شود، بلکه مسئولان نهاد تخریب‌کننده اذعان کنند که در صورت اثبات واحد اهمیت تاریخی بودن بنا آن را به شکل قبلی بازسازی می‌کنند. سخنانی که باعث شد تا کنی، معاون میراث فرهنگی خراسان ابتدا در اواسط مهرماه مهدیه را انصری دارای شرایط قرار گرفتن در فهرست آثار ملی اعلام کند و سپس روزنامه خراسان در اواخر آبان‌ماه در گزارشی که بخشی از آن گفت‌وگو با رکنی بود، از ثبت ملی مهدیه خبر دهد. بدین گونه بود که ماجرای مهدیه مهدیه مسکوت شد، آن هم درحالی که از یکسو اغلب

طلاق نصرت‌های دارای چراغ برق بسته می‌شد، پایانی که هرچند برخی از اعضای انجمن پیروان قرآن همان تشکلی که یکی دیگر از ثمرات عمر عابدزاده محسوب می‌شود، در چند نوبت تلاش کردند آن را کمرنگ کنند، اما شرایط زمان مانع از به ثمر رسیدن این فعالیت‌ها شد تا این که سرانجام مهدیه از سوی خانواده مرحوم دراختیار جامعه المصطفی‌العالمیه قرار داده شد تا آن را احیا کند، غافل از این که در نزد مدیران این مجموعه شرط احیای مهدیه تخریب کامل آن بود.

## ۵ ویژگی خاص مهدیه

حالی که تاریخچه مهدیه مشخص شد، بد نیست کمی درباره دلایل مهم بودن آن بدانیم. مهدیه عابدزاده مجموعه‌ای چند وجهی است که نخستین وجه آن همانا نخستین بودن این بنا در بین مجموعه‌های همنام است. به عبارت دیگر، مهدیه مرحوم عابدزاده مشهد، نخستین مهدیه ساخته‌شده در کل کشور است و سایر بناهایی که با این عنوان در سطح کشور ساخته شده‌اند، این مجموعه را الگو قرار داده‌اند. ناگفته نماند، مهدیه تهران که مشهورترین مهدیه کشور در وضع کنونی است، از سوی یکی از فعالان سابق مهدیه مشهد یعنی مرحوم حجت‌الاسلام کافی بنا شده است، اما امر دیگری که مهدیه مشهد را از چنان اهمیتی برخوردار می‌کند شایسته قرار گرفتن در فهرست آثار ملی است. همانا نقاشی‌های دیواری منحصر به فرد موجود در فضای سالن اصلی آن است. نقاشی‌های زیبای رنگ و روغنی که بدلی نداشت و کار استادان چیره‌دست هنر نقاشی در مشهد بود. استادانی که همگی از روی اخلاص و بدون دریافت اجرتی این تصاویر را بر دیوارهای مهدیه حک کرده بودند تا این بنا زیباتر جلوه کند. سومین دلیل که مهدیه عابدزاده را از نخستین بودن مهدیه‌های دیگر در کشور متمایز می‌کند، عبارت دیگر، تأیید آن از سوی مراجع عالی‌رتبه است. به صورت گروهبی است. به عبارت دیگر، تأیید آن از سوی مراجع عالی‌رتبه است. به صورت گروهبی است. به عبارت دیگر، تأیید آن از سوی مراجع عالی‌رتبه است. به صورت گروهبی است.

این تصاویر بر دیوارهای مهدیه حک کرده بودند تا این بنا زیباتر جلوه کند. سومین دلیل که مهدیه عابدزاده را از نخستین بودن مهدیه‌های دیگر در کشور متمایز می‌کند، عبارت دیگر، تأیید آن از سوی مراجع عالی‌رتبه است. به صورت گروهبی است. به عبارت دیگر، تأیید آن از سوی مراجع عالی‌رتبه است. به صورت گروهبی است. به عبارت دیگر، تأیید آن از سوی مراجع عالی‌رتبه است. به صورت گروهبی است.

حدود ۱۰ روز پیش بود، یعنی درست در همان ایامی که کشور در از دست‌دادن یکی از قدیمی‌ترین انقلابیون و استوانه‌های نظام یعنی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی غرق در ماتم بود و البته خراسان نیز نخستین روزهای پایتخت فرهنگی جهان اسلام بودن خود را طی می‌کرد، تصاویر و متونی ابتدا در رسانه‌های مجازی و سپس مکتوب منتشر شد که از نابودی بخشی دیگر از هویت ایران اسلامی خبر می‌داد. براساس این اخبار، مهدیه مرحوم عابدزاده مشهد، در همان شب و روز درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌طور کامل تخریب شده بود. ماجرای که با گذشت زمان مشخص شد که ناگفته‌های بسیار در دل خود دارد. ناگفته‌هایی که از یکسو از اهمیت بالای این مکان در تاریخ نه‌تنها معاصر خراسان بلکه در تاریخ نه‌تنها ملی برمی‌داشت، اما برای شناخت بهتر این موضوع، در ابتدا باید کمی مهدیه حاجی عابدزاده را بشناسیم و سپس اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر بر این مجموعه واقع شده تا از بنای فراموش‌شده به صدر اخبار میراثی کشور تغییر رتبه دهد و حتی برای نخستین بار تیمی کارشناسی از پایتخت به منظور شناسایی دلایل تخریب آن راهی مشهد شود، را بازگو کنیم.

## تاریخچه مهدیه

بنای مهدیه مرحوم عابدزاده مشهد که براساس مدارک موجود نخستین بنای ساخته‌شده با این نام در کشور است، در خیابان آیت‌الله شیرازی، کوچه جنب باغ نادری ای همان کوچه پشت باغ در نخستین فرعی دست چپ قرار دارد. این بنا را حاج علی‌اصغر عابدزاده یکی از بازاریان دارای گرایش بالای مذهبی مشهد، در سال میانی دهه ۲۰ خورشیدی به منظور ترویج آموزش دینی در جامعه تازه از خفقان دوران رضاشاهی خارج شده، با سرمایه شخصی و البته با کمک برخی خیران ساخته است. البته ساخت دقیق این بنا به صورت دقیق مشخص نیست، اما از آنجا که سندی مبنی بر درخواست اشتراک برق برای آن از سال ۱۳۲۶ وجود دارد، این بنا باید در فاصله سال‌های ۲۵ تا ۲۶ ساخته شده باشد. مهدیه در اصل شامل سه ساختمان، سالن اصلی در وسط و دو مجموعه اتاق در دو طرف حیاط بود. اتاق‌هایی که در ابتدا به‌عنوان کارگاه ساخت آینه‌های جیبی از سوی عابدزاده مورد استفاده قرار می‌گرفت و بعدها محل درس و بحث طلاب علوم دینی شد. این بنا که در دوران مبارزه علیه رژیم گذشته یکی از پایگاه‌های مبارزاتی مردم مشهد بود، تا سال اخیر نخستین سالن مبارزاتی مردم مشهد بود اما درگذشت عابدزاده در سال ۱۳۶۵ خط پایانی

این بنا که در دوران مبارزه علیه رژیم گذشته یکی از پایگاه‌های مبارزاتی مردم مشهد بود، تا سال اخیر نخستین سالن مبارزاتی مردم مشهد بود اما درگذشت عابدزاده در سال ۱۳۶۵ خط پایانی

این بنا به صورت دقیق مشخص نیست، اما از آنجا که سندی مبنی بر درخواست اشتراک برق برای آن از سال ۱۳۲۶ وجود دارد، این بنا باید در فاصله سال‌های ۲۵ تا ۲۶ ساخته شده باشد. مهدیه در اصل شامل سه ساختمان، سالن اصلی در وسط و دو مجموعه اتاق در دو طرف حیاط بود. اتاق‌هایی که در ابتدا به‌عنوان کارگاه ساخت آینه‌های جیبی از سوی عابدزاده مورد استفاده قرار می‌گرفت و بعدها محل درس و بحث طلاب علوم دینی شد. این بنا که در دوران مبارزه علیه رژیم گذشته یکی از پایگاه‌های مبارزاتی مردم مشهد بود، تا سال اخیر نخستین سالن مبارزاتی مردم مشهد بود اما درگذشت عابدزاده در سال ۱۳۶۵ خط پایانی

گزارش یک حادثه در مشهد

## وقتی همه خوابیم

| علی رنگبچیان | عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه سمنان

قصه تکراری تخریب و ویرانی بناهای تاریخی و ساختمان‌های هویتی و خاطره‌ساز دیگر بر ایام عادی شده است. دیگر بدون صدای بولدوزرها به خواب نمی‌رویم. به این صدا عادت کرده‌ایم. لالایی دیگر بدون دیدن خرابه‌ها منظره‌هایمان انگار ناقص است و ناتمام، هر روز باید ببینیم فروریختن سقف‌ها و دیوارها را. دیگر به ندیدن آسمان عادت کرده‌ایم. میراثی که به ما رسیده است، تخریب است... زودن خاطر‌ها، محو نشانه‌ها و حذف خاصه‌ها.

ساله اخیر، تاریخ توسعه ایران نیست بلکه تاریخ پیشرفت است بدون توسعه» در جایی که انسان محور توسعه است و مقوم انسانیت انسان، خاطرات و پیشینه هویتی او است؛ آیا تخریب نشانه‌های گذشته و خاطرات یک عمل ضدانسانی ویران‌کننده توسعه‌های نیست؟ چهارم امروز در مشهد با صورت توسعه و سیرت پول و سوداگری، شهر چون طعمه‌ای چرب و شیرین مورد دستبرد و خراج قرار می‌گیرد، حتی کوه‌ها بریده می‌شود تا ساختمان‌ها و برج ساخته شوند. مال‌ها جای باغ‌ها را می‌گیرند تا در کنار اجناس مصرعی، شهر و زیست‌بوم فروخته شود و مهدیه خراب می‌شود تا مادر تلخ ضد توسعه و پیشرفت نیفتد! نشانه‌ها که پنجره‌های خاطره و هویتند و مکان‌های یک‌نواخت و تخت را از مکان‌های عمیق و معنادار متمایز می‌کنند، چه آن وقت که بنای باشند مانند «مهدیه حاجی عابدزاده» یا مسجدی چون «مسجد گوهرشاد» یا دستخطی باشند از کتابت قرآن و... همه و همه به ماده، زاینده‌گی و برکت می‌دهند و معنا و زندگی بی‌معنا و مدرن‌زده امروز را تا فراسوی معنای برکت و توسعه می‌دهند.



چرا تخریب مهدیه مشهد امر نامبارکی است؟

## کالدهای خاطر ساز

| مجتبی گیوه‌چی | فعال فرهنگی



همان خدای معبد است. (فردا نش، ۱۳۸۱: ۲۲). نکته اصلی در تلقی هایدگر از معماری جایگاه ساختمان در هستی است که به وجود بنا مربوط است. از همین رو است که معبد روی صخره می‌روید و پل دو کرانه رودخانه را به یکدیگر می‌رساند. به همین ترتیب، خانه روستایی جنگل نیست که از دامنه کوهی که بر آن نشسته، زاینده می‌شود، حاصل زیستی روستایی است. معنای زیستن راستین همانا حفظ یگانگی بین چهار عامل فانیان (بشر)، زمین، آسمان و قدسیان (خدایان) است و ساختن و ساختمان نیز نقشی جداز این ندارد (فردا نش، ۱۳۸۱: ۲۴). سوم: دکتر محسن رئانی می‌گوید: «پروژه توسعه، پروژه تحول در عقلانیت است» یا «توسعه از خانه و کودکستان و دبستان شروع می‌شود نه از خیابان و کارخانه.» به تعبیری دیگر توسعه از انسان آغاز می‌شود نه از کارخانه، خیابان و ساختمان... توسعه بدون انسان نوعی تغییرات شکلی و فرمی است که بهتر است نام آن را مدرنیزاسیون بدون پشتوانه عقلانیت و مدرنیزه‌گذاشت. همانگونه که دکتر رئانی در جایی دیگر مکرر می‌شود: «تاریخ دیوست

اول: همه کسانی که با نگاه توسعه و پیشرفت از تخریب کالدهای خاطر ساز دارای ارزش هویتی شهر دفاع می‌کنند و به دیگران گوشزد می‌کنند: «حفظ خاطر‌ها و رویدادها، حفظ کالدها و بناها نیست!» دقیقاً با تخریب بناها و کالدهای خاطر‌ها آفرین و هویت‌ساز در نظر و عمل معتمدند که توسعه یعنی تغییر بنا و کالدا. به تعبیری، نقدی که اینان بر جریان‌های ضد توسعه دارند، همان نقدی است که ارباب نظر در توسعه پایدار بر ایشان روا می‌دارند. دوم: خاطر‌ها، چرا برای هویت‌باوران مهم است و نسبت خاطر‌ها با کالدها و ساختمان‌ها چیست؟ قبل از پاسخ به این پرسش باید از نسبت خاطر و نشانه سخن گفت. اگر نشانه‌ها و آینه‌ها نبودند، چگونه می‌توانستیم در پی باغ خاطر‌ها بگردیم؟ اگر مسجد شیخ لطف‌الله نبود، آیا می‌توانستیم راهی به دوران صفوی باشیم؟ اگر بنای مهدیه مشهد نباشد، می‌تواند نشانه و ذری به خاطر ه انجمن پیروان قرآن و موسس آن مرحوم عابدزاده و رویداد نیمه‌شعبان بگشلییم؟ اگر نشانه‌های کالبدی و بناهای خاطر‌ها آفرین نباشند، آیا ما به جای تخیل خاطر‌ات، توهم خاطر‌ات (خاطراتی بی‌ریشه در واقعیت) نمی‌کنیم؟ نشانه‌ها و آینه‌ها خاطر‌ات را معنادار می‌کنند و نسبت و وثیقی با خاطر‌سازی و معنا بخشی به خاطر‌ات دارند. در نقل تاریخ گذشته آنچه از دست رفته، زمان است؛ ولی آنچه «زمان دیروز»، ادر «هروز ما» باز آفرینی می‌کند «مکان» است. بودن یک مفهوم نسبتاً مستقیمی با تجلی در مکان‌ها دارد؛ از نظر هایدگر جهان در فضای نیست، بلکه فضا در جهان است. به نظر او فضا، مکان را از حالت وحشی خود می‌راند و به آن مکان زیستی می‌بخشد. بنابراین فضا به بودن مربوط است. هایدگر مثال معروفی درباره معابد یونانی دارد و می‌گوید که معبد برپا شد روی صخره فقط به‌صرف برپا ایستادن خود عرصه تجلی بودن در فضا است. معبد بودن خود نخست به اشیای ظاهری دیدن می‌بخشد و سپس به انسان‌ها دیدی به خویش می‌دهد. همین نکته درباره پیکره خدای معبد نیز صادق است. این پیکره فقط تصویری نیست که به کمک آن بتوان آسان تر سیمای خدای معبد را تصور کرد، بلکه اثری است که به خدای معبد امکان حضور و بودن می‌دهد؛ از این نظر این پیکره